

۵۶/۲۲

# زندگی و مبارزهٔ خلق ترکمن

«کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن»

و  
«ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا»

بهمن ماه ۱۳۵۸

این کتاب به شهدای جنبش آلتون  
توقمسا، کسانی که در جریان  
مقاومت در برابر غصب  
زمین‌هایشان شهید شدند، شهدای  
جنگ ۹ روزه گنبد و شهدای  
روستای کوچک نظرخانی به‌خاطر  
روحیه مقاومت و پایداری‌شان در  
مبارزه تقدیم می‌شود.

فهرست

- مقدمه

- بخش اول

- فصل اول - بررسی مختصر تحولات اقتصادی - اجتماعی در ترکمن صحرا.....۷  
فصل دوم - جمع‌بندی مختصر وقایع سیاسی ترکمن صحرا تا شروع جنگ ۹  
روزه گنبد.....۳۲  
فصل سوم - جنگ ۹ روزه گنبد.....۵۸

- بخش دوم - ضمیمه‌ها:

- فصل اول - گزارشهایی از زندگی مردم ترکمن صحرا.....۸۵  
فصل دوم - نظر گروهها و افراد مختلف دهمورد علل بحران در ترکمن صحرا.....۱۲۲  
فصل سوم - اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مربوط به حوادث ترکمن صحرا.....۱۵۹  
فصل چهارم - شرح زندگی شهدای خالق ترکمن.....۲۱۶  
فصل پنجم - متفرقه و «چگونگی فعالیت شورائی روستائیان ترکمن صحرا».....۲۵۷

ترکمن صحرا هرگز چنین گسترشی از مبارزه ملی و طبقاتی بخود ندیده است. شناخت قوانین عینی حاکم بر این مبارزه، در ارتباط با روند کلی مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، وظیفه آن نیروهای انقلابی و مبارزیست که رهبری و سازماندهی مبارزه طبقاتی را در ترکمن صحرا بعهده گرفته‌اند. بدون شناخت این قوانین پیش بینی دورنماها و تعیین خط‌مشی رهبری کننده مبارزه مقدور نیست. تئوری دربرگیرنده این قوانین باید در رابطه نزدیک با پراتیک طبقات و گسترش مبارزه ملی تدوین شده و بنوبه خود بمثابة يك عامل مادی بر گسترش مبارزه تأثیر گذارد. تدوین کتاب «زندگی و مبارزه خلق ترکمن» گامی در این جهت است.

تعیین دقیق ویژگیهای رشد روابط سرمایه‌داری در روستاهای ترکمن صحرا، بررسی قطب بندیهای طبقاتی درحال حاضر و بازتاب آن در موقعیت شوراها و اتحادیه‌های روستائی، بخصوص با توجه به تشکیل «اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا» (که درحال حاضر در برگیرنده ۲۸۰ شورای متشکل در ۲۵ اتحادیه روستائی است)، تحلیل مشخص از چگونگی پیوند مبارزه ملی و طبقاتی در ترکمن صحرا با جنبش دمکراتیک سراسری ایران بویژه مبارزه درحال گسترش طبقه کارگر ایران، از جمله وظائف مهمی است که باید بدان پاسخ داده شود.

مستحکم باد همبستگی تمامی خلقهای ایران  
برقرار باد وحدت کارگران و زحمتکشانشان ایران

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن  
ستاد مرکزی شوراهاى ترکمن صحرا  
آذرماه ۵۸

### مقدمه:

۱- تشکیل شوراهای انقلابی از طریق رأی آزاد مردم ترکمن برای دفاع از حقوق حقه خلق ها و به ثمر رسیدن خواست زحمتکشانشان شهروده.

۲- سپردن زمین های خاندان منصور پهلوی و دیگر غاصبان زمین به دهقانان، تحت نظر شوراهای دهقانی.

۳-.....

۴- لغو تمام محدودیت های ملی و فرهنگی، سپردن مصالح خلق ترکمن به دست خلق ترکمن که باید خود در تعیین سرنوشت خویش اقدام کنند و در چهارچوب ایرانی آزاد و یکپارچه، به طور کامل از آزادی های فرهنگی، مذهبی و دیگر آزادی ها برخوردار باشند.

۵- تشکل جغرافیائی خلق ترکمن بدین شکل است که از بندر ترکمن تا جرجلان باید تحت سیستم اداری مشترک به مرکزیت گنبد درآید. دیگر تقسیم بندی ها نمی تواند حقوق کامل خلق ترکمن را رعایت کند.»  
بخشی از خواسته های خلق ترکمن مندرج در اعلامیه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ۵۸/۱/۱۵ \*

## فصل اول: بررسی مختصر تحولات اقتصادی - اجتماعی در ترکمن صحرا

جنبش دهقانی ترکمن صحرا که هر روز عمق و گسترش بیشتری پیدا می کند، مسئله ترکمن صحرا را بیش از همیشه به عنوان یکی از مسائل پروسه انقلاب سراسری ایران مطرح کرده است. در واقع سکونی که بیش از نیم قرن بر

روستاهای ترکمن صحرا حاکم بود و انزوای جغرافیائی آن منطقه، زمینه‌ای بود که امکان آشنائی سایر خلق‌های ایران را به مسائل خلق ترکمن به حداقل می‌رساند بخصوص که نيزوهای سیاسی نیز نسبت به طرح مسائل ترکمن صحرا دچار نوعی فراموشی شده بودند. در منطقه‌ای که اقتصاد شهری و شهرها اهمیت چندانی نداشته و سکون در روستا مساوی با محروم ماندن جنبش ملی از نیروی توده‌های دهقانی است، توان جنبش محدود بوده و مسائل آن در سایر نقاط انعکاس وسیعی ندارد.

خلق ترکمن خواسته‌های خود را در زمینه رفع ستم ملی در جریان مبارزه‌اش طرح کرده است. توده‌های ترکمن خواستار آند که در تمام زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، فرهنگ و زبان از حقوق مساوی با تمام ملیت‌های ساکن در چهارچوب مرزهای دولتی ایران برخوردار شوند. قطعنامه ۸ ماده‌ای حاوی این خواسته‌های خلق ترکمن است.\*

حرکات مبارزاتی توده‌های ترکمن در ۶ ماه اخیر تا حدود زیادی ویژگی‌های جنبش ملی در ترکمن صحرا را نشان داده است. شناخت این ویژگی‌ها تفاوت‌های مسئله ملی در ترکمن صحرا را با سایر جنبش‌های ملی در ایران مشخص می‌کند و تعیین مضمون عمده حرکت جنبش مردم انقلابی ترکمن را ممکن می‌سازد. در مجموع حرکت جنبش نشان داده که مضمون عمده آن در ارتباط با يك مسئله ارضی قابل بیان است.\*\*

بررسی پروسه تاریخی تحولات اقتصادی - اجتماعی و جریان‌های سیاسی در منطقه برای روشن ساختن بیشتر جوانب مسئله ملی ویژگی‌های آن و زوایای مختلف مسئله ارضی در ترکمن صحرا ضروری است.

لازم است توجه خوانندگان را به این نکته جلب کنیم که مراد ما از کلمه

«ترکمن صحرا» نه تقسیم‌بندی‌های جغرافیائی دولتی است و نه منطقه‌ای با

\* متن کامل قطعنامه در بخش دوم فصل سوم آمده است (اعلامیه شماره ۱).

\*\* استالین در جزوه «مارکسیسم و مسئله ملی» اشاره جالبی به این مسئله دارد:

«مضمون جنبش ملی در همه جا نمی‌تواند يك سان باشد. این مضمون از هر حیث تابع تقاضای گوناگونی است که جنبش آنرا به‌میان آورده. در ایرلند هدف جنبش حل مسئله زمین است، در بوهم حل مسئله زبان، در اینجا تساوی اشخاص و آزادی مذهب و در آنجا کارمندی از خود برای ادارات یا مجلس خودی را خواستارند. از خلال مطالبات گوناگون غالباً خصوصیات گوناگونی خودنمایی می‌کنند که بطور کلی وصف کننده ملت است. (زبان سرزمین و غیره)» - صفحه ۱۲ - انتشارات آیدن.

خصوصیات طبیعی یکسان یعنی آن معنی که بیشتر متداول است. از نظر ما تقسیم‌بندی‌های جغرافیائی که در زمان رژیم پهلوی صورت گرفته نمی‌تواند ملاک باشد. در این ناحیه نیز مثل کردستان و نقاط دیگری که نوعی مسئله ملی مطرح است، تقسیم‌بندی‌های جغرافیائی نه با توجه به خصوصیات ملی و تاریخی هر منطقه، بلکه در تعقیب سیاست سلب هویت ملیت‌های تحت ستم، و مستحیل ساختن آنها در ملیت‌های دیگر صورت گرفته است. رژیم با قطعه قطعه کردن مناطق زیست ملیت‌های تحت ستم می‌کوشید تصور یکپارچگی را در اذهان آنها از بین برده و این ملیت‌ها را در فرهنگ و خصوصیات مناطق مجاور مستحیل سازد. در ترکمن صحرا، جرگلان جزء بیجنورد (استان خراسان) و بقیه منطقه جزء استان مازندران به حساب آمده تقسیم‌بندی هر شهرستان نیز به نحوی صورت گرفته که در هر منطقه ترکمن‌ها در اقلیت قرار گیرند: مراوه تپه، گل‌داغ و کلاله به ضمیمه بخش‌های فارس نشین مینودشت و رامیان جزء شهرگنبد، آق قلعه و حومه جزء گرگان (که شهری غیر ترکمن است) و بندر ترکمن و گمشان جزء بندرگز (غیر ترکمن) به حساب آمده است. ما معنی متداول ترکمن صحرا را هم در نظر نداریم. طبق این معنی، منظور دشت صافی است که در مشرق دریای خزر قرار گرفته است، که لغت «صحرا» باین معنی کمک می‌کند.

مراد ما از ترکمن صحرا آن محیط زیست یکپارچه است که در آن ترکمن‌ها با زبان، فرهنگ و خصوصیات اخلاقی و اقتصادی مشترک زندگی می‌کنند. این منطقه از شمال به شوروی، از شرق به ارتفاعات بیجنورد از جنوب به کوه‌های البرز، از جنوب غربی تا محدوده‌ای که از آن به بعد دهات فارس نشین حوالی گرگان شروع می‌شود و از غرب به دریای خزر محدود می‌شود. یکی از خواسته‌های مشخص خلق ترکمن یکپارچگی جغرافیائی منطقه در چهارچوب مرزهای دولتی ایران است، که در برنامه ۸ ماده‌ای خلق ترکمن مطرح می‌شود: «تشکل جغرافیائی خلق ترکمن صحرا بدین شکل است که از بندر ترکمن تا جرگلان باید تحت سیستم اداری مشترک به مرکزیت گنبد درآید. دیگر تقسیم‌بندی‌ها نمی‌تواند حقوق کامل خلق ترکمن را رعایت کند.»

\* برای آشنائی به وضع جغرافیائی و طبیعی منطقه به نقشه انتهای کتاب مراجعه شود (انتهای بخش دوم فصل پنجم).

تکامل نظام اجتماعی - اقتصادی ترکمن صحرا را در سه دوره می توان بررسی کرده است:

- ۱- دوره تکامل نسبتاً آزاد جامعه ترکمن و شکل گرفتن ابتدائی و نطفه ای «ملت» ترکمن، یعنی دورانی همزمان با جنبش مشروطه تا اواسط حکومت رضاخان.
- ۲- دوره گذار، یعنی پایان گرفتن تکامل آزاد جامعه ترکمن و آغاز ستم ملی، از اواسط سلطنت رضاخان تا کودتای سال ۱۳۲۰.
- ۳- دوره بسط و گسترش روابط سرمایه داری در ترکمن صحرا، کودتای سال ۱۳۲۰ تا جنبش ضد دیکتاتوری سال های ۵۶-۵۷ و شکل گرفتن یک قشر بورژوا - ملاک که عمدتاً غیر ترکمن هستند (۹۰٪) و جهت گیری کشاورزی ناحیه به سمت تولید در مقیاس وسیع.

باید اضافه کرد که این دوره ها را مرز مشخصی از هم جدا نمی کنند. به خصوص دوره های دوم و سوم ارتباط دورنی همه جانبه ای دارند. زیرا در واقع دوره دوم دوره گذار است که طی آن زمینه های امکان تحقق تحولات دوره سوم به وجود می آید. خصوصیت مشترک این دو دوره وجود ماشین سیاسی - نظامی دولتی است که با به سلطنت رسیدن رضاخان پایه آن با شالوده ای عمدتاً بورژوائی\* ریخته می شود. این ماشین دولتی و در رأس آن دربار و بورژوازی بوروکرات چه با استفاده از قدرت اقتصادی خود و چه در مواقعی که از قهر بلاواسطه دستگاه های سرکوب خود بهره می گرفت، عامل عمده ای در جلوگیری از تکامل آزاد جامعه ترکمن و تحولات بعدی آن تا استقرار روابط سرمایه داری بود.

### ۱- دوران تکامل نسبتاً آزاد جامعه ترکمن و شکل گرفتن ابتدائی و نطفه ای «ملت ترکمن»

در ابتدای این دوره تجارت رونق پیدا می کند. گسترش تجارت عوایل جدیدی را در نظام اجتماعی سنتی حاکم بر صحرا به همراه می آورد. واردات

\* جنبه های فئودالی ماشین دولتی در جریان تحولات سال های ۳۹-۴۲ حذف و این دستگاه کاملاً بورژوائی شد.

عمدتاً از شهرهای مختلف قفقاز (بخصوص باکو) و اشترخان صورت می گیرد و شامل کالاهائی چون چرخ خیاطی - سماور - کبریت، قند و مصالح ساختمانی و کالاهای متفرقه دیگر است. به همراه توسعه تجارت، شهرها نیز در ترکمن صحرا اهمیت بیشتری پیدا می کنند. البته تنها محلی که واقعاً جنبه شهری به خود می گیرد بندر کمش دبه است که در این سالها تبدیل به بندر مهمی می شود.\* به نظر می آید که گنبد در این دوره بیشتر قصبه ای بوده و تجارتخانه های آن بسیار محدود بوده اند و اهمیت آن بیشتر مربوط به کاروسراهای آن بوده است. علیرغم این رونق نسبی تجارت در مقایسه با مناطقی چون آذربایجان که در مسیر راههای تجاری عمده قرار داشتند، بندر کمش دبه بسیار عقب افتاده بوده است، و بورژوازی تجاری نوپای این بندر قدرت اقتصادی چندانی (مثل آذربایجان) نداشته است.

در این دوره صنایع در منطقه بسیار عقب افتاده و ابتدائی بوده است. در تمام این دوره (مثل امروز) صنایع دستی از محدوده اقتصاد خانوادگی و محیط خانه خارج نمی شود. بافت قالی - قالیچه - نمد و غیره در محدوده منازل روستا نشینان و عمدتاً به وسیله زنان صورت می گرفته است. برخلاف مناطقی که شهرها رشد بیشتری داشته اند (تبریز، مشهد و غیره) هیچگاه این صنایع دستی به کارگاه های شهری منتقل نشد. در مجموع اقبال اجتماعی مثل پیشه وران - کسبه و زحمتکشان شهری نیروهای بسیار محدود اجتماعی را تشکیل می داده اند. این مسئله به خصوص در آستانه جنبش مشروطه، ترکمن صحرا را از آن نیروهای اجتماعی که توانائی به دوش کشیدن بار یک جنبش بورژوا دمکراتیک را داشته باشند، محروم می کند.

عقب افتادگی اقتصاد شهری، جدا از نظام بسیار عقب افتاده ای که بر روستاهای ترکمن صحرا حاکم بود، قابل بیان نیست. در روستاها رشته تولید عمده دامداری بود و در کنار آن کشاورزی نیز اهمیت داشت.\*\* نظام حاکم بر

\* صید و دریانوردی از جمله اشتغالات ترکمن هائی بود که در ساحل بحر خزر ساکن بودند. به نظر می رسد بندر کمش دبه قبل از رونق تجارت در ارتباط با صید اهمیت داشته است (مثل امروز). برای دیدن موقعیت جغرافیائی بندر کمش دبه به نقشه ضمیمه مراجعه شود.

\*\* به نظر می رسد ترکمن های گوگلان که دزارتفاعات شرقی منطقه زندگی می کردند عمدتاً به کشاورزی اشتغال داشتند. در منطقه دشت، ترکمن های نموت ساکن بودند که خود به دو دسته «چاروا» و «چمری» تقسیم می شدند. چمری ها هم به دامداری و هم به کشاورزی اشتغال داشتند، چارواها کوچ نشین بوده عمدتاً به دامداری اشتغال داشتند.

روستا نوعی نظام پدرسالاری و شبانی بوده است. مراتع در مالکیت روستاهای مجاور آن بوده و در مجموع مالکیت خصوصی بر زمین وجود نداشته یا زمین کشاورزی در مالکیت يك واحد اجتماعی بوده و کشت و زرع هم به طور دسته جمعی صورت می گرفته و یا در آنجائی هم که کشت و زرع فردی صورت می گرفته هنوز مالکیت فردی تثبیت نشده بوده است. وجود زمین های وسیع قابل کشت و ضعف نیروهای تولیدی (تکنیک های عقب افتاده کشاورزی و کمبود نیروی انسانی نسبت به زمین های قابل کشت) امکان می داد که روستائی ترکمن صحرا به اندازه توان خود کشت کند و عملاً در استفاده از زمین محدودیتی به وجود نیامد، در نتیجه تا حدودی لزوم مالکیت فردی زمین مشخص کردن حد و مرزهای آن به وجود نیامد. خان ها و ریش سفیدان از امتیازات خاصی نسبت به دیگران برخوردار نبودند و هنوز اموال عمومی را به خود اختصاص ندادند.

آداب و رسوم و نهادهای اجتماعی روستائی بازتاب نظام اقتصادی حاکم بر صحرا بود، نظامی که در آن هنوز ساختمان طبقاتی منسجمی شکل نگرفته بود. از جمله این رسوم (که هنوز وجود دارد) یاوار بود، طبق این رسم هنگامی که انجام امری از عهده يك فرد ترکمن خارج بود (مرض بودن، سزی و غیره) همه ترکمن هائی که در يك واحد اجتماعی یا آن فرد زندگی می کردند موظف بودند که به کمک او آمده و بدون چشم داشت مالی برای اتمام کار به او یاری رسانند خوانین از تصمیمات مجمع روستا (باشولی) تبعیت می کردند. شکافی که رشد تجارت به تدریج در نظام حاکم بر ترکمن صحرا به وجود می آورد بازتاب خود را نه تنها در گسترش شهرها و در رشد مصرف، بلکه به طور طبیعی در شیوه های زندگی سنتی ترکمن ها نیز نشان می داد. بعد از

\* بررسی شرایط زندگی مردم ترکمن در این دوره (یعنی قبل از سلطه رژیم پهلوی) اهمیت بسیار دارد. مطالعه این امر نه فقط از این نظر که شناخت نظام حاکم بر صحرا کمک به درک مسئله زمین های عصبی در حال حاضر و یا بقایای این روابط اقتصادی در گوشه و کنار صحرا می کند، بلکه از نظر تأثیرات آن بر حافظه تاریخی مردم ترکمن و تأثیرات فرهنگی اجتماعات آنها مورد توجه است. وجود مالکیت اشتراکی بر زمین، نهادهای دموکراتیک تصمیم گیری مثل باشولیا، رسم یاوار و غیره و تأثیرات آنها بر حافظه تاریخی خلق ترکمن و اینکه امروزه در بسیاری از زمین های منطقه سیستم های بسیار پیشرفته کشاورزی وجود دارد امکان مناسبی برای برقراری روابط بسیار پیشرفته تولیدی به اندازه های دهقانی به وجود آورده است.

\* طبیعی در مقابل مصنوعی به کار گرفته شده و به این معنی به کار گرفته که بعضی از تغییراتی که ذکر شد بعدها توسط ژاندارمری رضاخان به زور سر نیزه و شلاق به اجرا درآمد.

قرن ها ترکمن هائی که در لاجبق زندگی می کردند به خانه های چوبی و خانه هائی که از مصالح ساخت روسیه و با طرح های روسی ساخته می شد رو آوردند. \* در کمش دبه تجار و مسافرینی که به باکو و اشترخان رفت و آمد داشتند برای اولین بار لباس های سنتی را کنار گذاشتند و بکت و شلوار پوشیدند. اولین نسل ترکمن هائی که به تحصیلات غیر سنتی پرداختند از ساکنین کمش دبه بودند. آنها به درجات مختلف فرهنگ و افکار سیاسی و اجتماعی را به منطقه منتقل می کردند.

اما در زمینه ادبیات و هنر به نظر می رسد تحرك تازه ای در منطقه به وجود نیامد. شعر و ادبیات ترکمن که در زمینه حرکت خود، شاعران و نویسندگان بزرگی مثل مختومقلی فراغی (۱۷۹۰-۱۷۳۳) محمدولی کیمینه، مسکین قلیچ، ملانفس (که آخری نویسنده و بقیه شاعر بودند) را پرورش داده بود، در این سال ها نسل جدیدی که ارزش های نوینی در ادبیات ایجاد کنند، در خود نپرورد، در هر حال در این دوره محدودیت و قید و بندهای شدیدی بر شعر و ادبیات و زبان ترکمن وجود نداشت. \*

سال های اول حکومت رضاخان با تغییرات محسوس ولی نه چندان مهمی در جوانب مختلف زندگی مردم ترکمن همراه بود. کنترل بیشتر مرزها، بنیاد شدن سر و کله ژاندارمها و مامورین دولتی ادارات رضاخانی و غیره از علائم این تغییرات بود و به محض آنکه رضاخان از مشغولیات مهمتری که در سایر نقاط ایران داشت فارغ شد و به ماشین اداری نظامی خود سر و صورتی داد، متوجه ترکمن صحرا شد.

۲- دوران گذار یا پایان گرفتن تکامل آزاد جامعه ترکمن و آغاز «ستم ملی»

برنامه هائی که دستگاه های اداری و نظامی دولت رضاخان از اواسط حکومت وی آغاز کردند آن سیر تکاملی را که جامعه ترکمن در ارتباط با رشد تجارت

\* هنوز نمونه این خانه ها در بندرگمش به وجود دارد.

\*\* درباره تأثیراتی که اهالی ترکمن صحرا در زمینه های مختلف فرهنگی و اجتماعی از مردم نواحی عشق آباد و مناطقی که امروز ترکمنستان شوروی را تشکیل می دهد (با توجه به نزدیکی زبان، فرهنگ و غیره) گرفته اند، باید مطالعات بیشتری صورت گیرد.

در بندر کمش دبه و بورزوای تجاری نوای ترکمن می توانست داشته باشد متوقف کرد و آن را در مسیری خاص انداخت که امروز شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی مردم ترکمن ادامه منطقی آن مسیر است و در نتیجه، تمام جلوه های ستم ملی که امروز بر ملت ترکمن وارد می شود منشأ خود را در سیاست هایی دارد که دولت رضاخانی در آن سال ها آغاز کرد.

در جریان سال های ۱۲- ۱۳۱۰ مرزهای مشترک با شوروی بسته شد و امکان مسافرت و تجارت با شوروی از بین رفت. تجارت با جمهوری های آسیای شوروی که بعد از انقلاب اکتبر تا حدودی نقصان یافته بود، بهرکود کامل افتاده بورزوای ضعیف کمش دبه از یک طرف با از بین رفتن امکان تجارت و از طرف دیگر تحت فشار دستگاه دولتی و بورزوای بوروکرات وابسته - که هر روز تارهای خود را در منطقه بیشتر می تنید - به حیاتش خاتمه داده شد. بعد از آن هیچگاه بورزوای تجاری و یا بخش های دیگر بورزوای (صنعی - مالی) به عنوان یک قشر در ساختمان طبقاتی جامعه ترکمن امکان رشد نیافت. \* بندر کمش دبه نیز به کنسادی افتاد و تنها به عنوان یک مرکز صید تا حدودی موقعیت اقتصادی خود را حفظ نمود. اما شهرهای دیگر منطقه تا حدودی شروع به رشد کردند، این رشد از راه گسترش دستگاه های مختلف دولتی صورت گرفت. شهر گنبد توسعه یافت و بندر ترکمن (بندر شاه سابق) که انتهای مسیر راه آهن سراسری بود اهمیت شهری یافت. آق قالا (بهلویدر سابق) هم تا حدودی جنبه شهری به خود گرفت.

در ارتباط، با وجود ادارات دولتی و مصرف کارمندان این ادارات و اینکه روستائیان برای حل و فصل مسائل خود مجبور به مراجعه به آن ادارات بودند، قشر اکتسبه و پیشه وران در شهرها افزایش یافت. با توسعه ادارات دولتی قشرهایی از مردم ترکمن در شهرها شکل گرفته که حیاتشان وابسته به حقوق دولتی بود. این قشر کارمند ادارات مختلف شامل فرهنگ، ثبت، دادگستری و غیره بودند. در هر حال همیشه روستای ادارات غیر ترکمن بودند. اصولاً استخدام افراد ترکمن نمی توانست حصلت دستگاه های دولتی را بیوشاند زیرا از طرفی مشخص بود که هدف از استخدام آنها «ترکمن زدائی» و گرفتن

\* بورزوا - ملاک های ترکمن در سال های بعد از ۲۷ و در مسیر بورزویی شدن زمینداران به وجود آمدند، صنایع منطقه که متعلق به همین قشر است به معنی وجود یک قشر بورزوای صنعتی نیست.

فرهنگ ملی از آنها است و از طرف دیگر این دستگاه که عمدتاً تکیه گاه سیاسی طبقات ثروتمند فارس برای اجرای سیاست سلطه طبقاتی و تسلط بر ملت های تحت ستم ساکن در چهارچوب مرزهای دولتی ایران و مجری سیاست مستحیل ساختن اجباری ملت های تحت ستم بود، اصولاً و از ریشه با این ملت ها بیگانه بود، این بیگانگی همیشه حفظ شد و تا نابودی کامل این دستگاه حفظ خواهد شد. ترکمن ها به خوبی این احساس بیگانگی را به خصوص هنگام مراجعه شان به ادارات مختلف دولتی حس کرده و می کنند. یک ترکمن می گفت: «وقتی به ادارات دولتی مراجعه می کنم درست مثل آنست که به یک سفارتخانه خارجی مراجعه کرده باشم.»

در مجموع روابط سرمایه داری که خصلت های بوروکراتیک داشت در شهرها رشد یافت و قشری از غیر ترکمن ها عمدتاً فارس که وابسته به ادارات دولتی بودند ساکن منطقه شدند.

در روستاها نیز تغییر و تحولات و قشر بندی های جدید اجتماعی به وجود آمد. در سال های ۱۲- ۱۳۱۰ رضاخان تحت عنوان سیاست های عشایری و اسکان دادن عشایر، در چند مرحله تمام زمین های ترکمن صحرا را از شرق مازندران تا حوالی بجنورد به مالکیت خود درآورد. مراتع - نزارها، جنگل ها و حتی محدوده شهرهای منطقه نیز به تصرف وی درآمد. \* آنچه به عنوان مسئله زمین های غصبی به شکل فعلی خود مطرح است، منشأ خود را در همین تصرف رضاخانی دارد. تصرف این زمین ها خصلتی دوگانه دارد که امروز رابطه مسئله ملی و مسئله ارضی (عمدتاً مسئله زمین های غصبی) را روشن می کند. از یک طرف تصرف زمین های ترکمن صحرا از جانب رضاخان یک مسئله ارضی است یعنی سلب مالکیت از اجتماعات روستائی نسبت به زمین کشاورزی و مراتعشان و از طرف دیگر سلب حقوق یک ملت \* نسبت به سرزمین شان. در واقع اگر سرزمین را به عنوان

\* همزمان با تصرف ترکمن صحرا، رضاخان خالصجات و زمین های زراعی حوالی گرگان (که فارس نشین هستند) و همین طور بسیاری زمین های زراعی در مازندران و سایر نقاط ایران را به تصرف خود درآورد و تبدیل به بزرگترین مالک ایران شد. البته مالکیت این زمین ها خصلت های اساساً بوروکراتیک دربار و عوامل وابسته را تغییر نمی داد.

\* رضاخان و دربار در اینجا به عنوان قدرت فائقه، در میان قشر بوروکرات عمدتاً فارس، سلطه طبقات ثروتمند فارس را بر ملت ترکمن اعمال می کنند.



یکی از خصوصیات ملی در نظر بگیریم این به نوعی جدا کردن اجباری يك ملت از سرزمینش و يك ستم ملی را از زوایه سلب حقوق ملی است. بخش وسیعی از زمین‌هایی که امروز در دست مؤسسات سرمایه‌داری وابسته به دولت و ارتش و یا بورژوازی ملاک‌های فارس است زمین‌هایی است که قبلاً توسط دربار غصب شده و امروز به دست آنها رسیده است. با تصرف این زمین‌ها، رضاخان با اتکای به قهر و به وسیله شلاق و سر نیزه، نظام عشیره‌ای حاکم بر روستاها را که البته دیگر با ضرورت‌های زمان تطبیق نداشت، درهم ریخت.

در ارتباط با از بین بردن نظام عشیره‌ای و اسکان عشایر، دامداری که تا آن موقع رشته عمده تولید بود اهمیت خود را از دست داد و به سرعت رو به زوال رفت و با توسعه زمین‌های کشاورزی، کشت و کار محصولاتی مثل گندم، جو، پنبه... به رشته عمده تولید تبدیل شد. اداره املاک اختصاصی وظیفه اداره امور کشاورزی را به عهده گرفت و نوعی نظام ارباب و رعیتی بر مبنای سهم بزرگی از محصول در روستاها حاکم شد. رضاخان ارباب تمام صحرا، کارمندان اداره املاک، مباشرین مسئول جمع‌آوری محصول و توده‌های ترکمن رعیت بودند. گرچه رابطه ارباب و رعیتی حاکم شد اما این روابط نه لزوماً در نتیجه تمایلات دستگاه دولت و دربار رضاخان بلکه عمدتاً ناشی از محدودیت‌های اجتماعی-اقتصادی آن دوره بود. در واقع سر نیزه ژاندارمری رضاخان کندتر از آن بود که روابطی را بر صحرا حاکم کند که هنوز مجموعه شرایط اقتصادی ایران و موقعیت امپریالیسم امکان آن را فراهم نکرده بود. به همین جهت گرایشانی که در جهت گسترش روابط سرمایه‌داری در کشاورزی وجود داشت در پاره‌ای تغییرات سطحی و محدود خود را نشان داد. این گرایشات مثلاً در مجبور کردن کشاورزان بعضی نقاط به کشت نوع خاصی از محصولات دیده می‌شود، مثلاً در اطراف گمشدگیه به افراد زیادی يك هکتار زمین داده شد و آنها مجبور بودند که پنبه کاشته و محصول آن را به کارخانه پنبه پاک‌کنی دولتی در بندرگز تحویل دهند و یا اجبار به کشت توتون و تنباکو در اطراف گنبد که محصول آن مورد احتیاج دخانیات و کارخانجات آن بود.

رضاخان برای تحقق بسیاری از تغییرات در صحرا به شیوه بیگاری گرفتن در

مقیاس توده‌ای دست زد. برای ایجاد راه، ایجاد ساختمان‌های آجری جدید، به جای آلاچیق‌های سنتی که ترکمن‌ها را به زور مجبور به ترک آن می‌کردند، ساختمان ادارات دولتی و طرح‌های دیگر هزاران زحمتکش ترکمن بدون پرداخت مزد و غذا به کار گرفته می‌شدند. رضاخان این مزدور بیشرم این برده‌دار قرن بیستم، هزاران زن و بچه و پیر و جوان و بیمار را به کار بردگی کشید. بیگاری‌های رضاخانی صدها داستان اشک و خون برای نسل‌های بعدی ترکمن به یادگار باقی گذارده است. صدها نفر به علت بیماری، پیری خستگی و گرسنگی در جریان کار درگذشتند، بسیاری دیگر در حین فرار از بیگاری به ضرب گلوله ژاندارم‌ها به قتل رسیدند یا در رودخانه‌ها غرق شدند. يك روستائی کهنسال ترکمن که خود بیگاری‌های رضاخانی و سختی‌های آن دوره را تجربه کرده، در این باره می‌گفت:

«وقتی سربازان رضاخان به ترکمن صحرا هجوم آوردند روستاهائی را که مقاومت می‌کردند به شدت سرکوب کرده و مردم را قتل و عام کردند. بعضی از مردم را روی زمین‌های کشاورزی هنگام کار اسیر گرفتند و خیلی از آنها را به عوض سربازانی که کشته شده بودند تیرباران کردند. بسیاری از مردم به شوری فرار کردند. بعد از آن بیگاری شروع شد. در گمشدگیه چون زمین قابل کشت وجود ندارد از اهالی برای جاده‌سازی استفاده می‌کردند. حتی از پیرزنان و پیرمردان هم برای بیگاری استفاده می‌کردند، آنها مجبور بودند با گاری شن بکشند هر کس فرار می‌کرد به شدت تنبیه می‌شد. خیلی‌ها در زیر شلاق و یا از شدت کار تلف می‌شدند. سرکارگرا از میان ترکمن‌ها انتخاب می‌شدند؛ به خصوص کدخداها و اینها هم از هیچ اذیت و آزاری خودداری نمی‌کردند، صبح‌ها مردم را به صف می‌کردند و برای بیگاری می‌بردند. توی راه هر کس از صف خارج می‌شد و یا آهسته راه می‌رفت به شدت با شلاق تنبیه می‌شد. هنگام بیگاری غذا از خودمان بود. بعضی وقت‌ها شب‌ها هم می‌آمدند و می‌گفتند باید از جنگل‌های ساری به وسیله گاری چوب بیاورید. در منطقه گنبد از مردم برای کشت توتون و تنباکو استفاده می‌کردند. رضاخان از زمین‌ها سهم املاک می‌گرفت. بعضی مواقع می‌شد که زمین محصول نمی‌داد صاحب زمین مجبور بود فرش و وسائل خانه‌اش را بفروشد، تا سهم املاکی را بپردازد. سهم املاکی رضاخان را مأمورینش از همان سرخرمن تحویل

می‌گرفتند ولی می‌بایست ما خودمان با گاری آن را به‌نبارش تحویل دهیم. کسی که تحویل می‌گرفت دستش را توی گندم فرو می‌کرد، که اگر دستش خاکی می‌شد ما را مجازات می‌کرد.»

در مقابل توده وسیع ترکمن که زیر تازیانه دولت رضاخان دست و پا می‌زد، گروهی نیز در روستاها به‌خدمت او درآمدند. این ترکمن‌های مزدور یا به‌صف زاندارم‌های رضاخان پیوستند و با به‌عنوان کدخدا و کارگر ملاک متنفذ محلی و به‌خدمت ماشین سرکوب رضاخان درآمدند. بدون شك نقش این گروه در تسلط رضاخان مؤثر بوده است.

ستم وارد بر خلق ترکمن محدود به‌ستم اقتصادی و ستم مربوط به‌سرزمین نماند، فرهنگ و زبان ترکمنی نیز به‌شدت در محدودیت ماند. درمدرسی که در این دوره ایجاد شد مطلقاً استفاده از زبان ترکمنی ممنوع گردید در ادارات چه به‌صورت شفاهی و چه به‌صورت کتبی، استفاده از زبان ترکمنی غیرقانونی اعلام شد. در شهرها تا حد امکان سعی می‌کردند که از استفاده لباس محلی جلوگیری کنند و یک نوع احساس خفت و خواری نسبت به‌هویت ملی ترکمنی به‌وجود آوردند. در چنین شرایطی شعر و موسیقی ترکمنی امکان رشد نداشت و رو به‌انحطاط رفت. در جریان اعمال این سیاست‌های فرهنگی و سرکوب همراه با آن، رضاخان همواره کوشش داشت که روحیه بندگی و اطاعت را تاسرحد امکان در دهقان ترکمن تقویت کند، این سیاست‌ها در سکوت طولانی که در دوره‌های بعد بر روستاهای ترکمن صحرا حاکم بود تاثیر مستقیم و مهمی داشت.

با شروع جنگ دوم و اشغال ایران توسط متفقین و سقوط حکومت رضاخان و تضعیف شدید دربار، شرایط جدیدی در ترکمن صحرا به‌وجود آمد که مهمترین آن تضعیف دستگاه دولت در شهر و روستاهای ترکمن صحرا بود. اما تغییراتی که به‌دنبال این موقعیت به‌وجود آمد از محدوده تغییرات سیاسی در منطقه و همچنین تغییراتی که در زمینه مالکیت زمین‌های کشاورزی و آغاز سنددار شدن زمین‌ها صورت گرفت، فراتر نرفت. در مجموع روابط تولیدی در روستا در همان چهارچوب سابق ماند و تولید کالائی گسترش خاصی نیافت. گرچه برای اولین بار از اواسط سال‌های ۲۰ ماشین‌های کشاورزی و سیستم‌های آبیاری جدید به‌کار گرفته شد ولی در هر حال در مجموع روابط

سرمایه‌داری محدود ماند.

با توجه به‌تضعیف موقعیت دربار و افشاگری‌هایی که در مورد زمین‌های غصب شده به‌توسط دربار صورت می‌گرفت و با توجه به‌امکان حرکت مردم برای احقاق حقوق خود، پسر رضاخان املاک اختصاصی را به‌دولت واگذار نمود. در سال ۱۳۲۱ قانونی به‌تصویب رسید که طبق آن به‌اشخاص حق می‌داد که اگر ادعائی در مورد مالکیت بخشی از اراضی واگذار شده به‌دولت دارند می‌توانند با دادن عرض حال به‌هیئت‌های مخصوص رسیدگی مراجعه کنند. برای اجرای این امر شش ماه فرصت داده شد. بیشتر دهقانان ترکمن به‌علت نداشتن نفوذ در دستگاه‌های دولتی و یا مطلع نشدن از این قانون و یا نداشتن اطلاعات حقوقی، از امکان گرفتن سند مالکیت زمین‌هایی که روی آن کار می‌کردند و از نظر تاریخی هم متعلق به‌روستای خودشان بود، محروم شدند. کسانی در این مرحله صاحب زمین و سند مالکیت شدند که صاحب نفوذی در دستگاه‌های دولتی بودند. نفوذی که به‌علت همکاری قبلیشان با حکومت رضاخان، زاندارم‌ها و مباشرین املاک اختصاصی به‌دست آورده بودند. البته به‌همراه این جریان درصد کوچکی از دهقانان ترکمن نیز صاحب قطعه زمین‌هایی شدند.

در سال ۱۳۲۸ پسر رضاخان که با توجه به‌سرکوب جنبش در آذربایجان و کردستان، غیرقانونی کردن حزب توده و محدود کردن فعالیت‌های کارگری در سالهای قبل از آن تا حدودی موقعیت خود را تثبیت نموده بود، «اداره املاک و مستغلات پهلوی» را ایجاد کرد و مجلس با گذراندن لایحه‌ای مجدداً املاک واگذار شده به‌دولت را به‌خانواده پهلوی برگرداند. بخشی از زمین‌هایی که به‌افراد ترکمن واگذار شده بود، با حیل‌های ثبتي در محدوده املاک پهلوی افتاد و از دست صاحبان قبلی آنها خارج شد.

تغییر و تحول دیگری که در زمینه مالکیت زمین صورت گرفت به‌دنبال تصویب «قانون» تقسیم و فروش، اقساطی املاک پهلوی در بهمن سال ۱۳۲۹ بود. عمده زمین‌هایی که در این سال به‌فروش رسید در محدوده آق قلعه تا بندر ترکمن است.\* متنفذین محلی ترکمن زمین‌هایی با وسعت نسبتاً زیاد

\* از نظر مرغوبیت زمین، ترکمن صحرا را می‌توان کلاً به‌سه ناحیه تقسیم کرد، محدوده زمین‌هایی که مجاور دریاست (از آق قلعه به‌سمت غرب) این زمینها تا حدودی شوره دارد و زیاد مرغوب نیست، ←

بدست آوردند. \* که حتی در مواردی به ۲۰۰ تا ۳۰۰ هکتار می‌رسید. زمین‌هایی که در اختیار توده‌های دهقان قرار گرفت با وسعتی بین ۲ تا ۱۵ هکتار بود. بقیه زمین‌های ترکمن صحرا که در مالکیت املاک بود، به زمین‌های مازاد معروف گشت و وسیعترین بخش زمین‌های ترکمن صحرا را شامل می‌شد.

به‌طور خلاصه قبل از کودتای امریکائی پسر رضاخان، سه نوع مالکیت در ترکمن صحرا وجود داشت:

(الف) اراضی مازاد که شامل زمین‌های زراعی - جنگل‌ها، مراتع و نیزارها بود و در اختیار اداره املاک قرار داشت. اراضی مازاد بخش وسیعی از ترکمن صحرا، روستاها و جمعیت آنرا در برمی‌گرفت.

(ب) اراضی واگذار شده، در جریان سال‌های ۲۲-۱۳۲۱ به گروهی از افراد محلی که این افراد به اصطلاح دارای سند شدند.

(ج) زمین‌هایی که در جریان فروش «املاک پهلوی» در سال ۲۹ فروخته شد و به صاحبان آن‌ها سند داده شد.

باید اضافه کنیم در روستاهائی که در اراضی مازاد واقع بودند با توجه به گذشته تاریخی روابط ارضی، اصولاً سندی در مورد زمین‌ها مراتع و غیره که مورد استفاده روستا بود و در این سال‌ها در اختیار املاک پهلوی قرار داشت، وجود نداشت. حقوق دهقانان ترکمن در مورد این زمین‌ها و مراتع به گذشته تاریخی برمی‌گردد (چه از زاویه مسئله ملی و چه از زاویه کاری که سال‌ها بر روی این زمین‌ها کیده‌اند) نه به اینکه سند دارند یا ندارند. ترکمن صحرا با سایر نقاط ایران که مدت‌ها اشکال مختلف روابط فئودالی در آن نقاط برقرار بوده (با حد و مرزهای مشخص زمین و سند و بنچاق و رسومات فئودالی دیگر) متفاوت است. در ترکمن صحرا سند وجود نداشته و مالکیت بر زمین‌های مورد استفاده یک مسئله مسلم بوده است. یک دهقان ترکمن در جریان تصرف مجدد زمین‌های غصبی مواجه با این ادعا شده بود که سند شما کجاست، او گفته بود: «ما برای ازدواجمان سند نداریم، می‌خواهید سند زمین داشته باشیم»

← مرغوبترین زمین‌ها در فاصله آق قالا تا کلاله واقع است. امروز عمده بحران ارضی در همین ناحیه است که تولید کشاورزی در مقیاس وسیع صورت می‌گیرد، از کلاله به سمت شرق و ناحیه جرجان به صورت تپه ماهور و کوهستان است و برای تولید در مقیاس وسیع مناسب نیست.

\* قبلاً توضیح دادیم که این افراد چگونه متنفذ شده‌اند.

اهمیت این گفته وقتی معلوم می‌شود که بدانیم ازدواج از نظر دهقان ترکمن چه رابطه استوار و محکمی است.

۳- بسط و گسترش روابط سرمایه‌داری در ترکمن صحرا  
مشخصه اصلی این دوره، گسترش روابط سرمایه‌داری در روستاهای ترکمن صحراست. این گسترش به‌خصوص بعد از اصلاحات ارضی به‌همراه بسط روابط سرمایه‌داری در ایران، آهنگ سریعتری یافت. مرغوبیت زمین، دشت صاف، آب فراوان و عدم وجود یک نظام ارباب و رعیتی ریشه‌دار همراه با روابط حقوقی و سنت‌های مربوط به آن، مجموعه شرایطی بود که امکان گسترش روابط سرمایه‌داری را حتی قبل از اصلاحات ارضی فراهم آورد.\*  
شکلی که این روابط در حال گسترش بخود گرفت عمدتاً تولید در مقیاس وسیع بود. این شکل بیشتر در محدوده مرغوبترین زمینهای منطقه یعنی فاصله آق قالا تا کلاله خود را نشان داد، البته در این منطقه هم مثل سایر نقاط ترکمن صحرا تولید خرد ادامه یافته است و هنوز نقش مهمی در تولید دارد. در چهارچوب این شکل تولید (تولید در مقیاس وسیع) استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی و تکنیک‌های پیشرفته آبیاری و غیره سرعت توسعه یافت، بطوری که امروزه بخش وسیع از امر تولید بوسیله ماشین‌آلات صورت می‌گیرد. وسعت استفاده از ماشین‌آلات بجدی یوده که حتی تولیدکنندگان خرده‌پای کشاورزی هم کار خود را با استفاده از ماشین‌آلات انجام میدادند.

متناسب با کاربرد ماشین، سطح زمین‌های زیر کشت افزوده شد و حجم تولید فرآورده‌های منطقه زیاد شد. \* کشت پنبه که به‌طور محدود از زمان رضاشاه آغاز شده بود، گسترش یافت. تا قبل از این دوره فقط تولید پنبه برای فروش به بازار بود. این خصلت کالائی محدود به پنبه نماند، گندم و جو نیز خصلت کالائی یافتند.

\* در بعضی از نقاط دیگر ایران هم که زمین‌های مرغوب وجود داشت روابط سرمایه‌داری حتی قبل از اصلاحات ارضی رشد نمود. در مجموع، درصد زمین‌هایی که به‌صورت سرمایه‌داری روی آن کار می‌شد تا قبل از اصلاحات ارضی از ۳ تا ۴ درصد کل زمین‌های زراعی ایران بیشتر نبود.

\*\* در تولید دامی هم تکنیک‌های پیشرفته بکار گرفته شده است. در محدوده اقتصاد و خانواده دهقانی، دامداری خرد با همان شیوه‌های سنتی ادامه یافته است. شیوه‌های نوین در موسسات بزرگ دامداری بکار گرفته شده، اما در مجموع با تبدیل شدن بخش وسیعی از مراتع و بیشه‌زارها به زمینهای زراعی و جانشین نگشتن شیوه‌های نو دامداری، عملاً این رشته از تولید ورشکسته شده است.

در چنین شرایطی، تولید کشاورزی در منطقه نه تنها نسبت به سایر رشته‌های تولیدی موقعیت خود را از دست نداد و همچنان تولید عمده باقی ماند بلکه به همراه تحول رشته‌های جدید تولید را توسعه داد:

صنایع دستی با توجه به فقر دهقان ترکمن کماکان موقعیت خود را در اقتصاد خانواده ترکمن حفظ کرد، این رشته تولید در هر حال از محدوده خانه روستائی خارج نشد و شکل کارگاهی به خود نگرفت\*. صید ماهی که از گذشته دور در مناطق مجاور دریای خزر در ترکمن صحرا وجود داشت، کلاً در کنترل شیلات بود، اما در مجموع تغییرات عمده‌ای در تکنیک‌های صید به وجود نیامد.\*\* در ارتباط با تولید کشاورزی مکانیزه روبگسترش، صنایع ماشینی برای اولین مرتبه در شهرهای منطقه شکل گرفت. نوع این صنایع دقیقاً مربوط به نوع محصولات عمده کشاورزی یعنی گندم و پنبه است. کارخانجات پنبه پاک‌کنی و کارخانجات آرد عمده کارخانه‌های منطقه هستند، چند کارخانه چوب بری نیز، به خاطر وجود جنگل‌های نزدیک منطقه، و چند کارخانه آب میوه گیری قسمتی از صنایع منطقه را تشکیل می‌دهند.\*\*\*

با گسترش استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی، موتور برق و غیره در منطقه تعداد نسبتاً زیادی کارگاه‌های فنی و تعمیرگاه به وجود آمده است. پیشه‌وری که در گذشته هم اهمیت چندانی نداشت، همینطور محصولات سنتی پیشه‌وران مناطق دیگر که برای فروش به ترکمن صحرا آورده می‌شد به شدت اهمیت خود را از دست داده است. امروز عمده کالاهای مصرفی مثل کفش، پارچه و انواع پوشاک و وسایل پلاستیکی که توسط کسبه به فروش می‌رسد، محصول کارخانه‌های متعلق به سرمایه‌داران غیر ترکمن است و از مناطق دیگر به ترکمن صحرا آورده می‌شود.

مناسبات رو به توسعه سرمایه‌داری در روستا و به کار گرفتن ماشین‌آلات به مقیاس وسیع، در قشر بندی و ترکیب ملی جمعیت ترکمن صحرا تغییراتی به وجود آورد.\* شهرهای منطقه به خصوص گنبد و بندر ترکمن و تا حدودی آق-

\* به گزارش مختصری در مورد صنایع دستی در منطقه مراجعه کنید (بخش دوم، فصل اول)

\*\* به گزارش مختصری درباره صید در ترکمن صحرا» مراجعه کنید (بخش دوم، فصل اول).

\*\*\* به «مختصری درباره کارخانجات ترکمن صحرا» مراجعه کنید (بخش دوم، فصل اول)

\* در مناطقی که مسئله ملی اهمیت دارد بررسی جمعیت را فقط نمی‌توان محدود به موقعیت طبقاتی و اقتصادی کرد. اینکه گروه‌های غیر محلی چه موقعیت طبقاتی دارند و مناسباتشان با مردم محلی

قالا که قبلاً بیشتر در ارتباط با گسترش ادارات دولتی توسعه یافتند، در این دوره با توجه به شرایط جدید اقتصادی توسعه بیشتری داشتند.\* کارمندان دولت عمدتاً فارس و ترکمن هستند. عمده جمعیت فارس منطقه بعلت وابستگی بدولت بناکن شهرها شده‌اند. این گروه چند هزار نفری از ساکنین شهرهای منطقه را تشکیل می‌دهند. در مورد کارمندان فارس که بعلت موقعیت دولتی‌شان صاحب زمین شده‌اند بعداً در موقع بررسی قشر بندی‌های مربوط بروستا صحبت خواهیم کرد.

ترکمن‌های وابسته بدولت جمعیت زیادی را تشکیل نمی‌دهند این گروه اغلب مشاغل مهمی در ادارات ندارند. اینها بیش از چند هزار نفر نیستند. بخش دیگری خرده بوزروازی ترکمن را کسبه و صاحبان کارگاههای کوچک تشکیل می‌دهند، اینها نیز حدود چند ده هزار نفر هستند. در طی این سالها به خصوص بعد از سالهای ۴۰ گروهی از آذربایجانی‌ها به ترکمن صحرا آمدند. اینها که ابتدا به عنوان فروشنده دوره گرد به دهات ترکمن صحرا می‌آمدند، بعداً ساکن شهرهای منطقه شدند. ترکها امروز عمدتاً قشر کاسب را در شهرها تشکیل می‌دهند. در مجموع شاید ۲۰-۳۰ هزار آذربایجانی در شهرها ساکن هستند. یکی از وسائلی که ساکن شدن این گروه را در منطقه تسهیل کرده نزدیکی زبانشان با زبان ترکمنی است، این گروه عمدتاً شیعه هستند. اختلافات شیعه و سنی که آگاهانه دامن زده شده بین این گروه و ترکمن‌ها فاصله به وجود آورده است.

تأسیس کارخانه‌های صنعتی و کارگاه‌های فنی و ساختمانی قشری از کارگران روزمزد در شهرها پدید آورده است.

در ترکمن صحرا در حدود ۲۵ کارخانه صنعتی وجود دارد که به طور متوسط یک تا دو هزار کارگر در آنها مشغول کار هستند. تولید این کارخانه‌ها که وابسته به کشاورزی است در فصل برداشت محصول بالا می‌رود و به همین

چگونه است، در بررسی ویژگی‌های مسئله ملی موثر است. پیشداوری‌هایی که در زمینه ملیت و مذهب وجود دارد گاهی نقش مؤثری در سیر مبارزه دارد.

\* گنبد حدود ۷۰ هزار نفر جمعیت، بندر ترکمن ۲۵ هزار و بقیه شهرها چند هزار نفری جمعیت دارند. بقیه شهرهای منطقه شامل آق قالا، گمش‌دیه کلاله و مینودشت هستند. (به نقشه ضمیمه مراجعه شود)

جهت بخشی از کارگران آنها فصلی هستند. این کارخانه‌ها واحدهای تولیدی کوچکی هستند که به‌طور متوسط ۳۰ تا ۴۰ کارگر دارند و وجود این کارخانجات صنعتی به معنی وجود یک قشر صاحب کارخانه ترکمن و یا غیرترکمن نیست، تعداد محدود این کارخانه‌ها و اینکه تقریباً تمامی آنها متعلق به بورژوا ملاک‌های گردن کلفت منطقه است، بیان کننده این امر می‌باشد.\*

حدود چند صد عدد کارگاه فنی و تعمیرگاه مکانیکی در ترکمن صحرا وجود دارد که هر کدام بطور متوسط ۳ تا ۴ کارگر روزمزد دارند در کوره‌پزخانه‌ها و کارهای ساختمانی هم چند هزار کارگر مشغول بکار هستند. در این کارخانجات و کارگاه‌ها در مجموع ۱۰ تا ۲۰ هزار کارگر روزمزد مشغول کار هستند که حدود نیمی از آنها را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند. ترکیب کارگران از تمام ملیت‌های ساکن منطقه مثل فارس، ترک، بلوچ و ترکمن است. مسئله قابل توجه آنست که در جریان مبارزه‌ای که برای ایجاد تشکیلات کارگری صورت گرفته است به بیان خود کارگران اختلافات ملی جلوی حرکت متشکل کارگران را نگرفته است.

به‌طور خلاصه از حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار ساکنین شهرهای منطقه را ۷۵٪ ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند که شامل کارمندان و فروشندگان و کسبه و بخشی

\* از میان زمیندارانی که صاحب کارخانه نیز هستند میتوان از: احمد محمدی، علی شمالی - جعفریابی - بیک زاده - هزیر یزدانی نام برد. برای مثال شرحی درمورد موقعیت احمد محمدی ذکر می‌کنیم (مشتمل نمونه خروار است):

احمد محمدی از بزرگترین بورژوا - ملاک‌های ترکمن و از وابستگان شاه و دربار بوده است. این خان به خلق ترکمن که هنوز ساکن منطقه است و به آزادی رفت و آمد میکند.

به تقریب ده هزار هکتار زمین و بالغ بر ده کارخانه مختلف در منطقه دارد. از قبیل کارخانه آرد محمدی - نوبان - کارخانه بنه پاک کنی قاپوس و همچنین دامداری‌های بزرگ و تعدادی ویلا در کنار دریا فرش فروشی در آلمان و از صادر کنندگان اصلی پنبه و صاحب چندین ساختمان در تهران است.

در وقایع جنگ تحمیلی نقش عمده‌ای با همراهی سایر زمینداران بزرگ در برپائی جنگ داشته است. ضمناً یکی از ترتیب دهندگان اصلی تظاهرات ضدانقلابی ۲۰۰۰ بهمن بوده و حتی یکی از جلسات تدارک دهندگان جنگ تحمیلی در خانه همین شخص بوده است. بنا به گزارشی پرویز ثابتی جلال ساواک در خانه همین شخص دیده شده است.

زمین‌های زراعتیش در مناطق باینال، گرکز، قره شور، شاه تپه، ولی آباد، بی‌بی شیروان، سنگر سوار سارجه کرو ... میباشد.

از کارگران روزمزد می‌شوند. شاید حدود ۳ تا ۴ هزار نفر نیز به کار صید اشتغال دارند که عمدتاً روزمزد می‌باشند. اگر جمعیت ترکمن را در حدود ۶۰ هزار نفر در نظر بگیریم، در واقع ۵۰۰ هزار آنرا روستائیان ترکمن تشکیل می‌دهند.\* بسط تولید در مقیاس وسیع سرمایه‌داری به همراه خود یک قشر بورژوا - ملاک در ترکمن صحرا به وجود آورد. بخش وسیعی از این قشر، زمین‌های خود را از طریق سیاست‌های جدید رژیم پهلوی در مورد واگذاری اراضی مازاد به دست آوردند. این سیاست مبتنی بر واگذار کردن اراضی مازاد به بورژوا - بوروکرات‌های گردن کلفتی مثل پالیزبان (۱۵۰۰ هکتار)، اویسی (۱۴۰۰ هکتار)، قره باغی (۱۲۰۰ هکتار)، بدره‌ای (۱۵۰۰ هکتار)، مین باشیان و... و سرمایه‌داران وابسته به دربار مثل هزبریزدانی و افسران بازنشسته و شاغل ارتش بود. بخش‌های وسیعی از اراضی مازاد نیز در دست دربار باقی ماند و یا به ارتش واگذار شد. با توجه به ترکیب ملی این افراد، در واقع عمده زمین‌ها به غیر ترکمن‌ها به خصوص فارس‌ها فروخته و یا واگذار شد. هزاران هکتار از زمین‌هایی که به عنوان مرتع، بیشه‌زار و غیره به وسیله رضاخان تصاحب شده بود و در محدوده هر روستا مورد استفاده روستائیان ترکمن بود به عنوان زمین‌های مازاد به تصرف گروهی سرمایه‌دار غیر بومی درآمد. در هر کجا که دهقانان ترکمن در مقابل از دست رفتن زمین‌هایشان مقاومت کردند، چماق سرکوب دولتی در خدمت منافع این بورژوا - ملاک‌های جدید، به صورت ژاندارم و یا مأمور دادگستری و غیره، مقاومت آنها را درهم شکست. در واقع جانشین شدن مالکیت این گروه سرمایه‌داران غیرترکمن به جای مالکیت دربار، رابطه نزدیکی را که غصب زمین توسط رضاخان بین مسئله دهقانی و ملی به وجود آورده بود، تغییری نداد و مضمون عمده مسئله ملی کماکان یک مسئله ارضی باقی ماند. غصب اراضی ترکمن‌ها توسط بورژوا - ملاک‌ها تنها از طریق املاک مازاد صورت نگرفت، بسیاری از کارمندان ادارات دولتی و ژاندارمری و غیره در جریان دعوای حقوقی که بر سر زمین و مسائل زمین در می‌گرفت و به نحوی به دخالت ادارات دولتی منجر می‌شد، به اتکای موقعیتشان در دستگاه دولت با دوز و کلک صاحب زمین شدند.

\* آمار داده شده همگی تقریبی هستند. در اینجا بیش از آن که منظور دادن آمار دقیق اشتغال باشد، نظر درک موقعیت نیروهای اجتماعی مختلف است.

به خصوص عناصر وابسته به دادگستری و ژاندارمری از این طریق زمین‌های وسیعی به دست آوردند. اصولاً در هر کجا مسئله ارضی مطرح است ما به همراه آن دعوای مربوط به زمین، تعیین حدود و تغور آن، مسئله آب و غیره مطرح می‌شود و با آن پای ژاندارمری و دادگستری به میان کشیده می‌شود. بررسی نقش دولت در این دعوای بهتر از هر چیز ماهیت دستگاه دولت و فساد و تباهی ذاتی دستگاه دولتی بورژوازی را نشان می‌دهد. میلانی (۴۰۰۰ هکتار) - میرسعیدی (۵۰۰ هکتار) - همایونی (۵۷۰ هکتار)، بترتیب رئیس دادگستری گنبد شدند، البته، همه غیر بومی هستند، بعد از مدتی هر کدام صاحب چند هزار هکتار زمین گردیدند. و بعد استعفا کرده و به عنوان ملاک ساکن ترکمن صحرا شدند. مسئله محدود به این سه نفر نیست، در ژاندارمری و دادگستری مثل میلانی زیاد هستند. به همراه غصب زمین توسط کسانی که مستقیماً به دربار و دستگاه دولت وابسته بودند گروه‌هایی از عناصر غیرترکمن به محل هجوم آوردند که با توجه به خصلت و موقعیت بورژوازی‌شان از حمایت دستگاه دولت در غصب زمین دهقانان ترکمن برخوردار شدند. بسیاری از اینها به عنوان اجاره‌دار، زمین‌های ترکمن‌ها را اجاره کردند و بعد از چند سال با دوز و کلک و حمایت دولت زمین‌ها را به مالکیت خود درآوردند. پیدا شدن این اجاره‌داران سرمایه‌دار از جمله علائم مشخص گسترش روابط سرمایه‌داری در روستاهای ترکمن صحرا بود. محمد فاریابی غاصب روستای مرجان‌آباد نمونه‌ای از این جنایتکاران اجاره‌دار است.

در جریان غصب زمین‌ها بخش‌های نسبتاً وسیعی که قبل از این دوره، صاحب سند شده بودند، یا با حیل‌های ثبتي جزو زمین‌های مازاد جازده شد و تصاحب گردید و یا با دوز و کلک‌های دیگر تصاحب شد.

در واقع هجوم غیرترکمن‌های سرمایه‌دار به منطقه چیزی جز هجوم سرمایه به منطقه نبود. هرچه هجوم سرمایه بیشتر شد روابط جدید در کشاورزی توسعه یافت. در مجموع در جریان غصب زمین‌های دهقانان ترکمن، و همینطور درموازی که انتقال زمین دهقان ترکمن به سرمایه‌دار ملاک به شکل قانونی و با

\* در بخش دوم فصل اول آنجائی که توضیحات مختصری در مورد روستای مرجان‌آباد می‌آید روشن می‌شود که چگونه این فرد به عنوان اجاره‌دار به مرجان‌آباد آمد و با دوز و کلک و قتل و غارت صاحب زمین‌های وسیعی شد. این فرد مزدور کماکان از توطئه‌گران و جنگ‌افروزان منطقه است.

برداخت بهای زمین بود، در جریان رشد روابط سرمایه‌داری در منطقه قشری از بورژوا - ملاک‌های فارس شکل گرفته که حدوداً ۸۰٪ تا ۹۰٪ از مجموع بورژوا - ملاک‌های منطقه را تشکیل می‌دهند. در کنار بورژوا - ملاک‌های فارس قشری از بورژوا - ملاک‌های ترکمن نیز مثل احمد محمدی، عبدالله آخوندزاده - رحمان خندان - قوشاق جعفریابی - امانلی جعفریابی - اشرفیون - ماسوریان - ایل محمدیگ زاده و .... شکل گرفته است. \* این‌ها عمدتاً کسانی هستند که با توجه به نفوذی که ایل و تبارشان با همکاری با حکومت رضاخانی در دستگاه دولت داشتند بعد از شروع جنگ دوم و سقوط حکومت رضاخان صاحب سند زمین‌های نسبتاً وسیعی شدند. خیلی از اینها با همکاری با غاصبین غیر ترکمن و حتی در مواردی با بازکردن پای آنها در روستا به وسعت زمین‌های خود افزودند. \* و یا صاحب زمین‌های وسیعی شدند. این قشر از ترکمن‌ها صف خود را از دهقانان محروم ترکمن جدا کرده و منافعیشان در تضاد با منافع دهقانان و خلق ترکمن است.

با گسترش مسئله غصب زمین و زمینداری بزرگ سرمایه‌داری به خصوص رشد سریع آن در سال‌های بعد از ۴۰-۳۹ مقاومت خونین دهقانان ترکمن در مقابل غصب زمین‌هایشان آغاز شد. برخورد دهقانان با غاصبین چنان ابعادی یافت که شاه مخلوع سرلشکر مزین را به عنوان نماینده مخصوص خود به ترکمن صحرا فرستاد تا بحران را حل کند. البته حل بحران از نظر رژیم کمک به غاصبین زمین، تثبیت موقعیت بورژوا - ملاک‌های نوپای ترکمن صحرا و راندن دهقانان ترکمن به محدوده زمین‌های کوچک بود.

گرچه این سیاست با مقاومت دهقانان ترکمن روبرو شد ولی قدرت اقتصادی ملاک‌ها و حمایت اقتصادی دولت از آنها و قهر دستگاه دولتی در آن

\* دو لیست که اولی اسامی زمینداران بزرگ منطقه (و سطح زمین‌های زیر کشت آنها) در آن آمده، و دیگری که لیستی از غاصبین زمین است در بخش دوم فصل پنجم منعکس شده است. توجه دقیق به این لیست تا حدودی روشنگر وضعیت ملاکین است. بعضی اسامی این دو لیست کراراً با توجه به نقش ضد انقلابی‌شان در جریان جنگ افروزی، تحریک در «کمیته اسلامی گنبد» برای شروع جنگ و تبلیغات در گوشه و کنار ایران بر علیه خلق ترکمن و نیروهای مترقی فعال در منطقه، در این جزوه آمده است.

\*\* به عنوان نمونه به گزارشی از روستای تاتارعلینا و چگونگی عملکرد بعضی از ترکمن‌ها در باز شدن پای غاصبین و نامی روستائیان نیناق به «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» مراجعه کنید (بخش دوم فصل اول)

تاریخ از مقاومت غیرمتشکل دهقانان قوی تر بود. در انتها، در کنار زمین های بزرگ متعلق به ملاکها قطعات کوچک زمین در مالکیت دهقانان ترکمن باقی ماند که آنها با توجه به نزول سلف خری و قرض بانکها هر لحظه در خطر بود.

جنایاتی که در زمان مزین در ترکمن صحرا صورت گرفت قابل مقایسه با فجایع رضاخان در سه دهه قبل از آن است. دهها طومار امضا شده که برای دادخواهی به دادگستری، دربار، ژاندارمری، ... و برای خود مزین فرستاده شد و امروز در هر روستای ترکمن صحرا، در صندوق هر دهقان ترکمن نمونه هایی از آن موجود است، یادگاری از این ظلم و ستم تاریخی است. چند نمونه از این اسناد و نامه های شکایت در این کتاب عیناً آورده شده است. گرچه بررسی قشر بندی دهقانان ترکمن با توجه به رشد روابط سرمایه داری و به خصوص با توجه به ویژگی ها نحوه رشد این روابط در ترکمن صحرا احتیاج به مطالعه عینی و دقیق تری دارد، اما در هر حال یک بررسی کلی نشان می دهد، دو قشر در بین دهقانان شکل گرفته اند. قشر بالائی که حدود ۱۰٪ از دهقانان ترکمن را تشکیل می دهند بیش از ۷ تا ۸ هکتار زمین دارند. این گروه علاوه بر زمین در مواردی صاحب مغازه در روستا و یا وانت برای حمل و نقل بین روستاها هستند و گاهی دلالی فرش و قالیچه می کنند که منبع اضافی درآمد برای آنهاست. این افراد در چند سال گذشته از رفاهی نسبی برخوردار بودند. توده وسیع دهقانان ترکمن که جمعیت اصلی خلق ترکمن را تشکیل می دهند معمولاً کمتر از ۵ هکتار زمین دارند.

این گروه وسیع نیروی محرکه اصلی جنبش خلق ترکمن هستند. بخش کوچکی از آنها زمین کوچک خود را هم به علت نداشتن امکانات مالی، بهره سنگین وام، حیل های ثبتي زمینداران، گرفتن نزول و غیره از دست داده اند و عملاً تبدیل به کارگر کشاورز شده اند و یا برای کارگری به شهرهای منطقه و یا نقاط دیگر می روند. از جمله در تهران چندین هزار نفر آنها مشغول کارهای ساختمانی هستند. مشاغل اضافی این توده وسیع مثل صنایع دستی خانگی، دامداری خرد و غیره و کارگری نه برای رفاه بیشتر بلکه به منظور امکان ادامه حیات و زنده ماندن است.

شکل گرفتن يك قشر بورژوا - ملاك عمدتاً فارس، ضد خود یعنی يك قشر

تعمام محرم در بیست و یکم شب اسناد و ابلاک ایران - روز شنبه ۱۳۳۰

محرمانه عرض مبارک برساند چون موجب صلح و مسالمت است از دفترخانه شماره ۷۷ تهران ... اسناد عای امر مقدور دستور رسید و احقاق حق و ابطال و رد درخواست شخصی ...

براهیل محمدجانی فرزند ناز ... در فایده لایحه و مدارک در اولین جلسه با دصورت لزوم تقدیم خواهد شد

بیمار عظیم کرکوشه زین ناسر محضرت هفت روزگان

فخرآباد ... کتبه زار علی ... در تاریخ ... در زمان ...

شماره ۴۸۸۶/۷۱۷۱

تاریخ ۲۷/۶/۷۷

میت



وزارت کشاورزی

نشد

بدرستی و صحت است

مست

ادارات و ستاد وزارت کشاورزی

تاریخ ۲۷/۶/۷۷

اداره آبیاری گنبدکاووس

تاریخ مورخه ۲۲/۱۱/۷۸ از زمین قرصه پلعه به بیوت

ارسال میگردد خواهشمند است نقدین فرمایید موضوع -

و رسیدگی نموده و نتیجه را ضمن اعلام شاهنشاه دگرگان و دولت و گنبد

بند مخصوص اعلام محضرت حاکمین شاهنشاه دگرگان و دولت و گنبد

سرلشکر زمین

مهر و امضاء  
۴۲/۱۱/۷۸

توجه نمودن ریاست نامه مورخه ۲۲/۱۱/۷۸ جهت اطلاع حاکمین

محمد مخدوم و ارا از اقلیتی اگر چه قریه هاشمی و سایر امضاء

گنبدگان ارسال میگردد ۰٪

اینست مخصوص اعلام محضرت حاکمین شاهنشاه دگرگان و دولت و گنبد

سرلشکر زمین

مهر و امضاء

آقای حاج شیخ خوجه

تیرو ۳۴/۴۵۰۳/۴۵۳/۴۸۵۳/۳۰۳ مورخه ۲۹/۷/۷۷

برابر تحقیقاتیجه بعمل آمد ملاحظه نموده نموده است.

سوپر مهندس

با زور عالی در قسمت امور وزارت کشور - ژاندارم - و

شهر ریاتی

از برای

سرلشکر کشاورزی

نشانی - گنبدکاووس سالیان - جنب قلعه حاج شیخ خوجه

کارگر کشاورزی هم به وجود آورده است. گرچه همانطور که قبلاً گفته شد بخشی از این قشر را ترکمنها تشکیل می دهند اما توده اصلی آنها از حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار کارگر کشاورز بلوچ و زابلی تشکیل شده است.

این گروه محرومترین ساکنان ترکمن صحرا و پائین ترین لایه اجتماعی مقیم منطقه هستند. مهاجرت آنها که حتی به صورت انفرادی از قبل از سال ۳۲ شروع شد، بعد از جریان اصلاحات ارضی سال ۴۲ و به خصوص خشکسالی های بلوچستان و سیستان سرعت گرفت. گرچه دلایل اقتصادی معینی در رابطه با رشد روابط سرمایه داری و همچنین خشکسالی ها و غیره در شکل گرفتن قشر بورژوا - ملاک های فزاینده و یا کارگران مهاجر بلوچ و زابلی عمل کرده است، اما سیاست رژیم پهلوی در مورد سلب هویت ملی ترکمن صحرا هم در این نقل و انتقالات جمعیت های غیر بومی به منطقه بی تأثیر نبوده است، در واقع این روش همواره یکی از طرق مستحیل ساختن اجباری خلق های تحت ستم بوده است، نمونه هایی از این مسئله را در اکثر نقاطی که به نحوی مسئله ملی مطرح است، می توان دید. شکست رژیم در همه این موارد نشان داد که حل مسئله ملی نه از طریق مستحیل ساختن اجباری بلکه فقط از طریق دادن حقوق متساوی به تمام ملیت ها میسر است.

در کنار بسیاری از زمین های وسیع زمینداران در نقاطی که به سازمان معروف است در داخل خانه های گلی مخروطی، محروم از هرگونه بهداشت و تأمین اقتصادی، این پائین ترین لایه اجتماعی ترکمن صحرا، یعنی کارگران بلوچ و زابلی زندگی می کنند، استثماری که از آنها صورت می گیرد وحشتناک است. درآمدشان هیچگاه کفاف مخارج زندگیشان را نمی دهد و از اواسط سال برای گذران زندگی شروع به قرض از صاحب زمین می کنند، و سال بعد مجبورند برای پرداخت قروض خود در همان زمین مشغول کار شوند. البته بعد از هر چند سال صاحب زمین برای آنکه ادعائی بر زمین پیدا نکنند آنها را از زمین می راند و مجبورشان می کند برای کار به منطقه دیگری بروند. وجود کارگران بلوچ و زابلی باعث رفتن حداکثر سود ممکن به جیب صاحب زمین می شود، زیرا دهقان ترکمن وقتی بر روی زمین يك ملاک کار می کرد، با توجه به سوابق تاریخی احساس و تعلق به سرزمین، خطری برای ملاک بحساب می آمد چون ممکن بود روزی ادعای مالکیت بر زمین کرده و مقابل فشار